



چکیده: اینجا تهران است. گنجینه ای فراهم آمده از دویست سال مدنیت عصر جدید، که به سختی می توان تصویری مشخص، خاطره انگیز و بیادماندنی از آن را آن گونه که شایسته این شهر باشد به خاطر سپرد. سیمای تهران با معیارهای سودجویانه شکل گرفته است. جسمیت و ترکیب توده های ساختمانی، که بخشی از مورفولوژی شهر است تحت عنوان پلاستیک شهر قابل بررسی است. در این نوشته به ارزیابی چگونگی پلاستیک شهر تهران پرداخته شده و ادراکات برآمده از آن معرفی شده است.

واژگان کلیدی: پلاستیک شهر، نظم شهر، مورفولوژی، سیلوئت تهران.

Urban Plastic the Off Side of Urban Landscape Tehran plastic in three scales

Abstract: This is Tehran. A treasure collected in two hundred years of modern age civilization and it is difficult to keep a clear, nostalgic, memorable image of this city in mind, as it deserves. Tehran appearance is formed with profit-seeking standards. Substantiality and the composition of building masses which is a part of the morphology of the city can be studied as the "Urban Plastic". This article investigates the urban plastic of Tehran and introduces the perceptions emerged from it.

Keywords: urban plastic, city order, morphology, Tehran silhouette

پلاستیک شهر بعد خاموش منظر پلاستیک تهران در سه مقیاس



زهرا رستگاری، کارشناس ارشد معماری منظر

Zahra Rastgari, M.A. in
Landscape Architecture
Rastgari0062@yahoo.com



سید محمد باقر منصور، کارشناس معماری

Seyyed Mohammad
Bagher Mansouri,
B.A in Architecture
mohammadmansouri88@
yahoo.com



تصویر ۱: سخن گفتن از
بک شهر پیش از همه به
یاد آوردن مناظر آن است.
عکس: زهرا رستگاری،
۱۳۸۹.



تصاویر ۲ و ۳: بررسی
پلاستیک تهران در مقیاس
خرد، حاکی از تنوع
حداکثری در جزئیات و
مصالح است. هیچ پنجره،
مصالح و رنگی خاص تهران
امروز نیست. در حالی که در
گذر از کوچه‌های قدیمی
شهر و بررسی جسمیت
شهر عناصری دیده می‌شوند
که رنگ هویت به سیمای
شهری تهران قدیم داده‌اند.
عکس: نگارنده، ۱۳۸۹.



مقدمه

شهر موجودی زنده است، که از تعامل نیروهای متنوع در قالب یک جسم واحد شکل می‌گیرد. لایه‌هایی از اتفاقات تاریخی و طبیعی و سیاست‌های حاکمان که در طول عمر شهر، آن را شکل داده‌اند موجب ایجاد جسم شهر، به عنوان موجودی با هویت گردیده‌اند (تصویر ۱). جسمیت و چگونگی توده شهر و نظم حاکم بر آن تحت عنوان «پلاستیک» شهر قابل بررسی است. در بررسی کیفیت توده شهری تهران پلاستیک آن آنچه بیش از همه جلوه می‌کند فقدان عامل مهم نظم است.

فرضیه

نظم حداقلی پلاستیک شهر تهران مانع ایجاد تصاویر ذهنی مشترک در خاطره جمعی شهر می‌شود.

تعاریف

مورفولوژی: علمی است که از ساختمان و شکل ظاهری بدن موجودات زنده و غیر زنده بحث می‌کند. این لغت معادل واژه ریخت‌شناسی در زبان فارسی است که موضوع آن همه فیزیک شهر و همه جسمیت آن است. از جمله ساختمان‌ها به اضافه بستر طبیعی آنها، فضاهای باز و تپه‌هایی که در میان شهر یا اطراف آنها وجود دارند یا پوشش گیاهی. پلاستیک شهر: بخشی از مورفولوژی شهر که ساخته انسان و از جنس توده‌های ساختمانی است. فیزیک شهر که همواره به گونه‌ای کلی، غیرمستقیم و ذهنی به وسیله ساکنان و استفاده‌کنندگان از شهر درک می‌شود. نمود دیداری سامانه شهر است که قلمرو عینی مکان را برای شهروندان مشخص می‌کند. بخشی از کالبد شهر است که در آن زندگی می‌کنیم.

خط آسمان: مرز میان جداره شهر و آسمان از نظر ناظر است. خط آسمان از مهم‌ترین عناصر سیمای شهری به شمار می‌رود و عامل قوی‌ای برای هویت منظر است. خط آسمان، یک لبه و خط است.

شبح (سیلوئت) شهر: شبیح شهر، تصویر کلی و فاقد جزئیات از شهر است که در متن زمینه و افق شهر دیده می‌شود. سیلوئت شهر، شامل خط آسمان نیز می‌شود. در عین حال ترکیب کل عناصر و بافت‌های درشت دانه شهر را نیز در متن شبیح شهر می‌توان دید. سیلوئت و شبیح شهر مشخصات یک تصویر را دارد و به یک خط محدود نمی‌شود.

نظم: رابطه قابل تشخیص میان اجزای یک سامانه است که مجموعه را دارای معنا کرده و ادراک و به خاطر سپردن آن را ممکن می‌سازد.

سه مقیاس بررسی پلاستیک شهر تهران

۱. مقیاس خرد یا مقیاس ملموس، درکی است که ناظر از پلاستیک شهر در رویارویی با یک بلوک شهری به دست می‌آورد. در این مقیاس کلیه اطلاعات به صورت ملموس (قابل لمس) و در رویارویی مستقیم انسان و شهر و با توجه به اندازه‌های بدن انسان و قابلیت‌های حواس او برای ادراک پدیده‌های خارجی حاصل می‌شود. مقیاس ملموس بر اساس حرکت آرام و برای ناظر پیاده به دست می‌آید. مهم‌ترین داده‌های مقیاس ملموس یا خرد عبارت است از:

رنگ، دانه‌بندی توده‌های ساختمانی، شکل توده‌ها، جزئیات و بازشوها و جنس و مصالح (تصاویر ۲ و ۳).



تصاویر ۴ و ۵: یک بلوک شهری در تهران ترکیبی از احجام و فرم‌های متفاوت است. در اکثر نقاط شهر بافت ناهمگون است و ارتفاع ساختمان‌ها نسبت به هم با اختلاف بسیار دیده می‌شود. خط آسمان تعریف نشده و اتفاقی است و در دوره‌های کوتاه زمانی به سبب حجم عظیم ساخت و ساز تغییرات اساسی می‌نماید. این در حالی است که در نقاطی از شهر تهران همچنان نمود نظم متعادل را به خوبی و زیبایی می‌توان یافت. میدان حسن آباد تهران نمونه بسیار خوب نظم متعادل در مقیاس میانی است. عکس: محمد منصوری، ۱۳۸۹.

پلاستیک شهر، مفهومی معنادار بین ویژگی‌های جسمیت شهر و تغییر آهنگ صورت شهر در هر نقطه از آن است بنابراین با مطالعات شکل‌شناسی که تنها به صورت شهر می‌پردازد تفاوت دارد.

urban plastic, is a meaningful concept among city substantiality features and the alteration process of city appearance in each point of it, therefore it is different from morphology studies which are only about city appearance.



۲. مقیاس میانی، در کی کلی تر از فضای شهر و پلاستیک آن است که با حرکت پیاده و سواره و مکت در یک گره شهری (میدان) یا یک خیابان (چند بلوک کنار هم) تجربه می‌شود و اطلاعات ذیل را به ناظر می‌دهد:

تنوع بلوک‌های ساختمانی، نقاط عطف اصلی و فرعی، همگونی یا نا همگونی بافت، ارتفاع بلوک‌ها نسبت به هم و خط آسمان معابر و میادین.

در بررسی تجربه شهر از این مقیاس به نظر می‌رسد تنوع در ارتفاع و عدم پیروی واحدهای همسایگی موجب آشفتگی در دانه‌بندی ساختمان‌های یک بلوک و همچنین خط آسمان بی‌قاعده و اتفاقی در اکثر بلوک‌های شهری تهران می‌شود (تصاویر ۴ و ۵).

۳. مقیاس کلان، تصویر واحد و یکه‌ای از کل شهر است. تعداد این تصاویر می‌تواند بر حسب موقعیت ناظر بیشتر از یک باشد. اما کلیت محتوای آنها و در کی که از پلاستیک توده شهر نزد ناظر ایجاد می‌کند یکی است (تصویر ۶ و ۷).

شعب شهر (سیلوئت) از انواع این دریافت کلی است. این مقیاس اطلاعاتی از این دست را به ناظر می‌دهد:

- خط آسمان شهر

- پالت رنگی (فراوانی رنگ‌های اصلی) کل شهر

- نقاط عطف و نشانه‌های اصلی شهر

- نحوه توزیع جسمیت و توده و استقرار آن بر بستر شهر

نظم، معیار دوگانه‌ای است در میان معیارهایی که به ارزیابی پلاستیک و توده شهر می‌پردازد. نظم اینیه، مهم‌ترین آنهاست. سه تلقی متفاوت از نظم قابل ارائه است که نتایج متفاوتی در بر دارد:

اول: نظم حداکثری است که به همشکلی محض منجر می‌شود. در این شیوه، عناصر و نحوه چیدمان آنها از مشابهت تمام بر خوردار است. شهرهای جدید از این نوعند.

دوم: نظم حداقلی است که به سمت اغتشاش پیش می‌رود. هیچ گونه ضابطه‌ای در خصوص ساخت و سازهای همجوار وجود ندارد و هر جزء از شهر بدون قیاس با کل و در نهایت تمایز ساخته می‌شود. مصالح، سبک و لفاف فضایی آزاد است و به همین دلیل، نبود وحدت بصری بین عناصر متمایز شهر تهران مانع شکل‌گیری تصاویر ذهنی یکپارچه و روشن از شهر می‌شود.

سوم: نظم میانه است یا همنوایی که در آن با اینکه ضوابط خشک و به شدت محدودکننده وجود ندارد ولی حفظ عناصر هویتی و خاطره‌ساز شهر و همچنین ترکیب متناسب و منسجم عناصر شهری در اولویت برنامه‌ریزی شهری قرار دارد. در این شیوه آهنگ هدایت‌کننده توده و پلاستیک شهر، در عین تنوع اجزای آن قابل تشخیص است.

زیبایی شناسی پلاستیک شهر

تصور ناخود آگاه زیبایی‌شناسی پلاستیک شهر که در سخن بسیاری از مدیران شهری و مردم عامی نمونه‌های آن پیداست، مبتنی بر نظم حداکثری است. اینان انتظار دارند برای راهی از شلوغی و هرج و مرج ناشی از فقدان قانون، شهری طراحی شده و با صورتی منظم ساخته شود. اقدامات هوسمان در نماسازی خیابان‌های جدید پاریس و کرباسچی در خیابان نواب نتیجه تمایل کنترل نشده به وجود نظم است. محصول این رویکرد، شهری کارخانه‌ای، بی‌روح و محتواسست که اثری از تکثر و تاریخ در آن یافت نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر این مبنا استوار شده که پلاستیک شهر تیغی است که یک لبه آن نظم حداکثری است که معنا و تاریخ را از میان برده و اقدامی فاشیستی شناخته می‌شود و لبه دیگر آن اغتشاش و هرج و مرج است که آرامش و هویت را مخدوش می‌کند و محصول آنارشیسم است.

مطالعات اولیه این تحقیق حاکی از گرایش پلاستیک شهر تهران به بی‌نظمی حداکثری است. بررسی ویژگی‌های پلاستیک شهر تهران در سه مقیاس از وجود تنوع بی‌شمار عناصر بصری، ترکیب احجام و عدم انطباق فضای تاریخی با مکان‌بایی نقاط عطف و نشانه‌های شهری حکایت می‌کند. مطالعه پلاستیک شهر، اگر چه معطوف به صورت فیزیکی آن است، اما از آنجا که دغدغه پیدا کردن نسبت معنادار بیان ویژگی‌های

پلاستیک شهر با تحولات معنایی نقاط مختلف شهر و رابطه میان تغییر آهنگ صورت و تاریخ و سرگذشت شهر در هر نقطه از آن را دارد، با مطالعات مورفولوژیک که منحصرأ به توضیح صورت می‌پردازد تفاوت دارد. مطالعه مقدماتی پلاستیک شهر حاکی از آن است که سرنوشت صورت تهران، خود به خودی تعیین می‌شود و سیاستی خاص که تزیین‌گرا و صورت یا معنایی و محتوایی باشد بر کنترل اقدامات تولیدکننده کالبد شهر حاکمیت ندارد. نتیجه این رویداد، تولید شهری بی‌شکل است، شهری که صورت آن جز هرج و مرج بر موضوع دیگری دلالت نمی‌کند و فقدان وحدت بصری مانع ایجاد تصاویر ذهنی خاطره انگیز از شهر می‌شود. ■

پی‌نوشت

۱. پلاستیک شهر عنوان مطالعه‌ای است که در سفر پژوهشی تابستان ۱۳۸۷ به اروپای مرکزی و اروپای شرقی در پژوهشکده نظر انجام گرفت.

تصویر ۶: بررسی سیلوئت شهر تهران از نظر دانه‌بندی بلوک‌های ساختمانی حاکی از این است که هرچه از سمت شمال شهر به جنوب پیش می‌رویم املاک ریزدانه و کم ارتفاع می‌شوند. مقطع شماتیک تهران، مآخذ: نگارنده.

تصویر ۷: در مقیاس کلان سیلوئت شهر تهران تنها واجد نقاط نشانه‌ای است که نظم خاصی را بیان نمی‌کنند، نماد تمرکز انرژی اقتصادی در یک نقطه یا نابسامانی اجتماعی در نقاط دیگر است. همچنین رنگ تهران، تلفیقی است از رنگ‌های متفاوت و متنوع که به سختی می‌توان هویتی از آن را به خاطر سپرد. عکس: محمد منصور، ۱۳۸۹.



